

«آرمان ملی» عدم شرکت بحرین

در نشست عمان رابرسی می‌کند

بحرین در برابر منطق ایران

آرمان ملی- عماد موحّد: قرار است نشست با حضور وزرای خارجه ۸ کشور ساحلی خلیج فارس برای بررسی توافق ایران و عمان در مورد مسائل مربوط به تنگه هرمز و مسیرهای کشتی‌رانی و دیگر مسائل منطقه برگزار شود. پیش از این رسانه‌ها خبر داده بودند که وزیر خارجه امارات متحده عربی در آخرین دقایق از حضور در این نشست انصراف داده و حضور او قطبی در سطح وزیر مشاور کابینه انجام می‌شد. با اعلام وزارت امور خارجه بحرین، یک کشور ساحلی دیگر نیز به صورت کامل از شرکت در این نشست انصراف داده است. وزارت امور خارجه بحرین با صدور بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که در نشست وزرای پیشنهادی درباره بررسی اوضاع تنگه هرمز شرکت نخواهد کرد. منامه تأکید کرد تا زمان آزرگیری کامل روابط دیپلماتیک دو جانبه با جمهوری اسلامی ایران، در هیچ نشست دسته‌جمعی که با حضور نمایندگان تهران برگزار شود، حضور نخواهد یافت.

◀ **هدف شروع نظامی**

تصمیم منامه به عدم شرکت در این نشست نشان دهنده نوع رابطه ایران و بحرین است. در حالی که بحرین میزبان نیروهای آمریکایی بوده و نیروهای آمریکایی از پایگاه‌هایی که در بحرین دارند، به ایران حمله کرده‌اند، بحرین معتقد است ایران نمی‌بایست در مواجهه با تجاوز آمریکایی‌ها به بحرین حمله می‌کرد. ایران از همان روزاول با صدای بلند اعلام کرد که تمام پایگاه‌های آمریکا در منطقه را هدف مشروع نظامی می‌داند و برای کاستن از احتمال سوء تفاهم رئیس جمهور نیز به این مهم اشاره کرد که ایران قصدی برای حمله به همسایه‌ها ندارد. با این حال بحرین، امارات متحده عربی، عربستان و کویت، نتوانستند جلو حمله به ایران از طریق پایگاه آمریکا در کشورشان را بگیرند و ایران با تمام توان به پایگاه‌های آمریکایی حاضربه زد. حال‌اینکه نظر می‌رسد در مناقشه میان ایران و کشورهای خلیج فارس، یک اختلاف بنیادی درباره معنای هدف نظامی شکل گرفته است. ایران می‌گوید در حملات خود قصد حمله به کشورهای همسایه را نداشته و هدفش پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی بوده؛ در مقابل کشورهای خلیج فارس می‌گویند موشک و پهپاد وقتی وارد حریم سرزمینی آنها می‌شود، دیگر نمی‌توان حمله را صرفاً در چارچوب جنگ ایران و آمریکا تعریف کرد. منطق ایران از یک نقطه آغاز می‌شود که اگر آمریکا از یک پایگاه دیگری صرفاً یک علیه ایران استفاده کند، آن پایگاه دیگر صرفاً یک تأسیسات آمریکایی مستقر در منطقه نیست، بلکه بخشی از توان نظامی آمریکا در جنگ با ایران محسوب می‌شود. بنابراین از نگاه تهران، محل جغرافیایی پایگاه نباید باعث مصونیت آن شود. به بیان ساده‌تر، ایران میان کشور میزبان و نیروی آمریکایی مستقر در آن کشور تفاوت می‌گذارد. اگر هوپلیما یا موشک آمریکایی از یک پایگاه در قطر یا بحرین علیه ایران عملیات کند، تهران استدلال می‌کند که پاسخ به همان پایگاه، پاسخ به عملیات آمریکاست، نه جنگ با قطر یا بحرین. این استدلال روشن‌تر از آن است که کشورهای مانند بحرین، عربستان و کویت و امارات متوجه آن نشوند. با این حال سوال این است که چرا وزارت امور خارجه نتوانست چنان که لازم است این کشورها را از ماهیت حمله‌های ایران به پایگاه‌های آمریکایی روشن کند؟

◀ **استدلال قوی ایران**

این استدلال البته زمانی قوی‌تر می‌شود که کشور میزبان عملاً اجازه استفاده عملیاتی از خاک خود را برای حمله به ایران داده باشد. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان یک پایگاه را بخشی از عملیات جنگی آمریکا دانست، اما کشور میزبان را کاملاً بی‌ربط با آن عملیات تلقی کرد؟ استدلال کشورهای خلیج فارس از نقطه‌ای دیگر آغاز می‌شود و در نتیجه آن شاهد بیابیه مشترکی هستیم که در میانه جنگ منتشر شد که حملات به سرزمین‌های آنها نقض حاکمیت و تمامیت ارضی و تهدیدی علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی توصیف شد. قطر نیز صریحاً استدلال کرد که حمله به کشوری که خود طرف درگیری نیست، نمی‌تواند صرفاً با این استدلال توجیه شود که در آن کشور نیروهای آمریکایی حضور دارند. حرفی که قطر می‌زند نشان دهنده تفاوت مبانی دو دیدگاه است. مشکل زمانی پیچیده‌تر می‌شود که میان سه وضعیت تفاوت بگذاریم که کشوری فعالانه اجازه حمله به ایران از خاک خود را می‌دهد؛ کشوری که صرفاً میزبان نیروهای آمریکایی است اما با عملیات آنها علیه ایران موافق نیست و کشوری که مستقیماً در عملیات علیه ایران مشارکت می‌کند. استدلال ایران در مواجهه با هر سه حالت بسیار قوی‌تر است از استدلال این کشورها که سال‌ها میزبان پایگاه‌های آمریکایی بوده‌اند و به خیال خود توانسته‌اند امنیت بخزند. با همه اینها اختلاف اصلی را شاید بتوان در یک جمله خلاصه کرد که از نگاه ایران، آمریکایی بودن عملیات، پایگاه را هدف مشروع مقابله می‌کند و از نگاه کشورهای خلیج فارس، قرار داشتن پایگاه در خاک آنها، حمله را به مسئله حاکمیت آنها تبدیل می‌کند. درست است که این کشورها همچنان زبان درازی دارند و حرف خودشان را می‌زنند اما باید دانست که منطق ایران در رفع تهدید می‌تواند در هر محکمه‌ای مطرح شود.

یکشنبه
۲۲ • ۰۶ • ۱۴۰۵

۱۰ ربيع الثاني ۱۴۴۸ / ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶

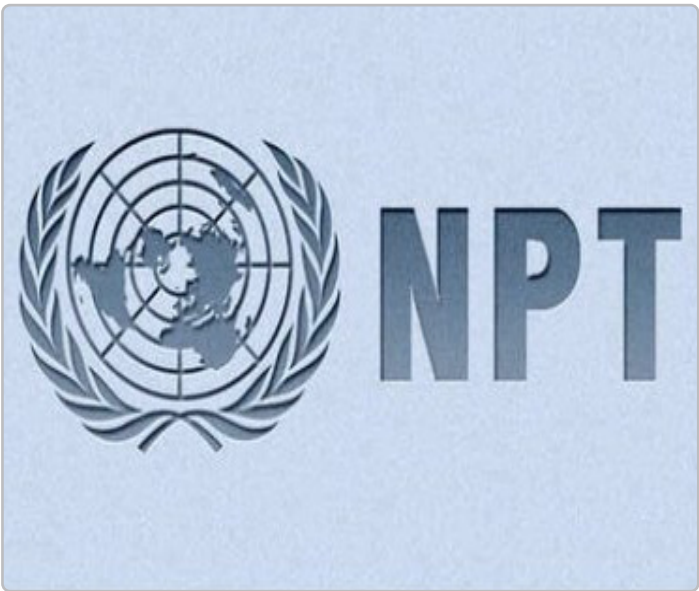
سال هشتم
شماره ۲۴۷۲

»

«آرمان ملی» مواجهه ایران با پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را بررسی می‌کند

هزینه‌های خروج از NPT

◀ **حسینعلی حاجی دلیگانی**: طرح سه فوریتی آماده کرده‌ایم



گاه بر خلاف ضوابط NPT عمل نکرده و همواره در چارچوب وظایف و تعهدات خود پیش می‌رود. همین حضور نیز باعث شده تا زمانی که غربی‌ها اتهاماتی را در خصوص عدم پایبندی تهران به تعهدات خود در NPT مطرح می‌کنند ایران و حامیانش نیز از همین مسیر به تکریب آنچه مطرح شده بپردازند و ضمن رعایت پایبندی ایران به تعهدات خود ذیل NPT غربی‌ها را به سیاسی انرژی اتمی تغییراتی حاصل کند و این نشان می‌دهد که دیوار بی‌اعتمادی بین طرفین بسیار بالا است. گرچه نباید این مهم را از یاد برد که ایران همواره به تعهدات و وظایف خود پایبند بوده و اگر امروز روابط تهران و آژانس در چنین شرایطی قرار دارد و به تیرهگی گراپییده به جهت رویکردهای جهت‌دار مدیر کل آژانس است. چه اینکه اگر آژانس از همان زمان انعقاد برجام میان ایران و ۵+۱ با انصاف و عدالت و رعایت اصل بی‌طرفی با اعضا برخورد می‌کرد شاید امروز نه تنها این اتفاقات نمی‌افتاد بلکه توافق ادامه‌دار هم می‌شد. اما برخورد صرفاً یک و مغرضانه مدیرکل آژانس در قبال ایران باعث شده تا ایران نیز مواجهه‌ای مناسب و متناسب را در پیش بگیرد. چنانکه طرح‌های مختلفی در خصوص مواجهه با آژانس مطرح می‌شود.

◀ **موافقان و مخالفان**

حضور ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به NPT همواره منطق بران و گویایی بوده از اینکه ایران هیچ

آن قرار داریم بپندازیم درخواستیم یافت که این اتفاق می‌تواند آخرین و بدترین اقدامی باشد که می‌تواند انجام شود. چرا که در شرایط حاضر که ایران از جهت مختلف در تحدید و فشار قرار دارد خروج از NPT می‌تواند دایره را بر ایران بسیار تنگ‌تر کند. چه اینکه ماهه ۱۰ NPT اگرچه حق خروج را به رسمیت می‌نشناسد، اما هیچ تضمینی نمی‌دهد که دولت خارج‌شونده از پیامدهای سیاسی، اقتصادی یا حتی اقدام جمعی نظامی این تصمیم مصون بماند. لذا باید هزینه‌های گراف خروج از NPT را در نظر گرفت و هزینه فایده به اتخاذ تصمیم و پیشنهاد روی آورد. نخست؛ خروج از NPT به احتمال زیاد آخرین سرمایه دیپلماتیک تهران در مناقشه هسته‌ای را از میان خواهد برد. ایران طی دو دهه گذشته، همواره بر این گزاره تأکید کرده که برنامه هسته‌ای‌اش در چارچوب حقوق شناخته‌شده اعضای NPT دنبال می‌شود و هدفی جز بهره‌برداری صلح‌آمیز ندارد. خروج از پیمان، این مزیت را از میان می‌برد و روایت و مقاصد ایران را در عرصه بین‌المللی به طور محسوسی تضعیف می‌کند. دوم، خروج از NPT احتمالاً فضای حقوقی و سیاسی لازم برای شکل‌گیری اجماع گسترده‌تر علیه ایران را فراهم خواهد کرد. چنانکه طی دو دهه گذشته یکی از موانع اصلی ایجاد اجماع جهانی علیه تهران، اختلاف نظر قدرت‌های بزرگ بر سر پرونده ایران بوده است و چین

«آرمان ملی» از بی‌توجهی صهیونیست‌ها به قواعد بین‌المللی گزارش می‌دهد

سوریه؛ آزمایشگاه امنیتی اسرائیل

سازمان ملل قرار داشت. سازمان ملل بارها حضور و فعالیت نظامی اسرائیل در این منطقه را نقض ترتیبات موجود دانسته بود. کمیسون تحقیق سازمان ملل نیز در گزارش اخیر خود، ضمن اشاره به ایجاد زیرساخت‌های نظامی، حملات و بازداشت‌های اسرائیل در جنوب سوریه، از وضعیت ایجاد شده با عنوان «اشغال جنگ طلبانه» یاد کرده است. اما مسئله فقط این نیست که اسرائیل در خاک سوریه حضور نظامی پیدا کرده است. مهم‌تر، منطق این حضور است.

◀ **تهدید یا ضد تهدید؟**

اسرائیل می‌گوید نمی‌تواند منتظر بماند تا تهدید جدیدی در سوریه شکل بگیرد و سپس برای مقابله با آن اقدام کند. از نگاه این رژیم، پس از سقوط سراسر شخص نیست چه نیرویی در آینده در دمشق قدرت خواهد داشت. ارتش جدید سوریه چگونه سازمان خواهد گرفت و آیا گروه‌های مسلح دوباره به جنوب سوریه بازخواهند گشت یا نه. بنابراین ترجیح داده به جای آنکه صرفاً در داخل مرزهای خود منتظر بماند، بخشی از خطر دفاعی خود را به داخل خاک سوریه منتقل کند. عجیب است که چنین منطق سستی که با تمام قواعد شناخته‌شده بین‌المللی ناسازگار است، با مخالفت قدرت‌ها مواجه‌نشده است. گویی این رژیم حق دارد به هرکجا که خواست، با هر دلیلی لشکرکشی کرده و آن منطقه را تصرف کند. نتانیا‌هو قبلاً اعلام کرده بود که نیروهای اسرائیلی در سمت سوری جبل‌الشیخ و منطقه حائل برای «مدت نامحدود» باقی خواهند ماند و همچنین تأکید کرده بود که اسرائیل اجازه حضور نیروهای مسلح سوری در جنوب دمشق را نخواهد داد. یعنی از نظر این رژیم نیروهای سوریه نمی‌توانند وارد بخش‌هایی از کشور خودشان بشوند؛ با این حال اسرائیل چاره‌ای ندارد که خود را با افکار عمومی جهان عرب درگیر بدارند و تردید نیست که افکار عمومی سوریه یا حتی نیروهای مسلح آینده، این حضور را تهدیدی علیه تمامیت ارضی سوریه تلقی خواهند کرد. بنابراین سیاستی که با هدف جلوگیری از تهدید آینده طراحی شده، به تولید تهدید آینده کمک خواهد کرد. آیا اسرائیلی‌ها نمی‌توانند چنین نکته‌ای را درک کنند؟ احتمالاً پاسخ منفی است. خوی تجاوزکارانه وقتی با فکر برتری نژادی گره بخورد،

armanmeli.ir

سیاست

گزارش

روایت حمیدرضا جلالی پور

از پشت پرده دو قطبی سازی هادر جامعه

حاکمیت دنبال عبور عزتمندانه از جنگ نابرابر است

یک فعال سیاسی اصلاح طلب درباره اینکه چرا برخی جریان‌ها، اظهارات و سخنانی‌های مقام‌ها و شخصیت‌های سیاسی را دستمایه دو قطبی سازی در کشور می‌کنند، اظهار داشت: این مباحث از سوی ایده‌آل‌گراهای ناواقع‌گرایی مطرح می‌شود که در سال‌های اخیر شکست‌هایی را تجربه کردند که انتظارش را نداشتند. این‌ها نوشت؛ حمیدرضا جلالی‌پور گفت: این افراد به‌رغم ادعاها و انتظاراتی که داشتند، در انتخابات ریاست جمهوری باختند و لذا حس یاس دارند و حالا که کشور در جنگ و فشار است دنبال جوسازی و دو قطبی سازی علیه دولت هستند. هم اکنون نگران پایان یافتن عزتمندانه جنگ هستند، چون بیمناک هستند که پس از جنگ کمتر مورد توجه مردم قرار گیرند. وی در ارزیابی چرایی درک متفاوت برخی جریان‌های سیاسی از امور کشور و طرح ادعایی چون جنگ ابدی و حرام بودن مذاکره افزود: این ایده‌آل‌گراهای ناواقع‌گرا هنوز توجه نکردند که ایران در جنگ اخیر مورد تجاوز نتانیا‌هو و ترامپ قرار گرفته است. ایران در این «جنگ نابرابر» از خود «دفاع» می‌کند و دنبال جنگ نبوده‌است اما وقتی به کشور تجاوز شد قهرمانانه دفاع کرد. اینها متوجه نیستند که ایران به دنبال ورود به «جنگ نابرابر» نبوده‌است و حاکمیت دنبال عبور عزتمندانه ایران از جنگ نابرابر است. این تحلیلگر سیاسی عنوان کرد: جلالی‌پور تصریح کرد: تندروها وقتی نتانیا‌همه به امضا رسید، عزا گرفتند و سریعاً گفتند پس اول توافق‌نامه چه شد؟ بعد که ترامپ تفاهم‌نامه را نقض کرد، این‌ها دیگر جنایت اسرائیل در لبنان را فراموش کردند و به دنبال تبلیغ علیه دولت پرشکیان رفتند که چرا تورم و نرخ ارز بالا است و چرا گریز هست؟ این جریانات شناخت درستی از ماهیت کتش‌ورزی مسئولانه ندارند، نگران این هستند که دولت این «جنگ نابرابر» ندارند و برابر عبور کشور از این جنگ، عزتمندانه از پیچ جنگ عبور کند. به همین دلیل از ایجاد شقاق در حاکمیت نگرانی ندارند. وی در تحلیل رفتار برخی جریان‌ها و تلاش برای ارائه یک روایت واحد از مسائل کشور؛ از جمله جنگ، مذاکره و نحوه مواجهه با آمریکا و متهم‌کردن هر دیدگاه متفاوت، به عدول از اصول که منجر به ناپدید شدن مرز میان «تبعیت از سیاست‌های کلان نظام» و «تحمیل قراتت یک جریان سیاسی به تصمیم‌گیران» می‌شود، گفت: اتفاقاً آنها در شمل از سیاست‌های کلان حاکمیتی پیروی نمی‌کنند. زبان آنها زبان تهدید و تخریب است، همان زبانی که علیه هاشمی، خاتمی، روحانی، ظریف و پرشکیان به کار می‌بردند. این جامعه‌شناس در تبیین وظیفه نیروهای معتدل سیاسی در دورانی که کشور به دو قطبی سازی به عنوان مکانیسم کسب قدرت رو آورده‌اند، اما پذیرش هزینه‌های آن شانه خالی می‌کنند؟ ابراز کرد: حرکت ایران به سوی ثبات و آبادانی برای تندروها خبر خوبی نیست زیرا نسبت به سرنوشت ایران اهل پاسخ‌گویی نیستند. به نوشته ایرنا؛ این تحلیلگر سیاسی با بیان اینکه نیروهای مدنی و معتدل سیاسی جامعه شایسته‌است خودشان از ادبیات قطبی‌ساز استفاده نکنند، گفت: نیروهای مدنی باید برای عبور عزتمندانه از جنگ با حاکمیت همراهی کنند و برای مردم تشریح کنند که عامل وقوع و تداوم جنگ تنها جرم اسرائیل-آمریکاست. مردم هم خوب است بداندن ایران (حکومت و جامعه) سرفراز هستند چون نگذاشتند دشمن به مقاصدش برسد.

◀ **فرماندهی واحد در جنگ**

جلایی‌پور عنوان کرد: باید از دیپلماسی کشور دفاع کنیم تا تخریب‌های تندروها، اراده دیپلمات‌های ما را تضعیف نکند. نیروهای جامعه مدنی باید از فرماندهی واحد در جنگ دفاع کنند و این دفاع، نافی خرد جمعی نیست و نماد این خرد جمعی هم شعام است. این جامعه‌شناس تصریح کرد: باید روی وحدت صفوف نیروها در زمان جنگ و ایجاد فضای اعتماد برای سیاستمداران کمک شود. ما از نخبگان کشور، خصوصاً در حوزه‌های دفاعی، باید تشکر کنیم زیرا این نخبگان می‌توانستند به آمریکا مهاجرت کنند و مثلاً در سلیکون ولی «کارمند» شوند ولی چنین نکردند، در ایران ماندند، با افتخار کار کردند و مدافع ایران شدند. جلالی‌پور در آسیب‌شناسی تأثیر دو قطبی سازی و ابزارهای آن از جمله «دشمن سازی» و «انگ‌زنی» بر کشش روزه مردم سیاسی ایران، منازعه و دو قطبی سازی با سابقه است. کار اصلی تندروها هم قطبی سازی و تشدید فشار برای رسیدن به مجد به عرصه قدرت رسمی است. این تحلیلگر سیاسی ادامه داد: بنابراین این جریانات وجه منازعه را در فرهنگ سیاسی ایران فعال می‌کنند. آنها در این شرایط جنگی اقدام می‌کنند و این شفاف‌ها به بیان ساده رسانه‌ها و به میدان‌های شهر منتقل می‌شود. لذا تنش در جامعه افزایش پیدای می‌کند و آنها هم احساس مسولیتی نمی‌کنند. جلالی‌پور در تشریح چگونگی مقاومت جامعه مدنی و روشنفکران در برابر «دو قطبی سازی کاذب» تأکید کرد: برخلاف تندروها که جامعه مدنی‌ای باید مسئولانه‌کنش‌ورزی کنند و به حاکمیت کمک کنند تا ایران عزتمندانه از این جنگ عبور کند. باید کاری کرد که آمریکا هر وقت خواست نتواند بدون هزینه سنگین وارد جنگ با ایران شود و به قول این متجاوزان مدام قصد چمن‌زدی نکنند. ضمناً شایسته‌است نیروهای جامعه مدنی از مدیران دولتی در تأمین نیازمندی‌های اولیه مردم قدرانی کرده و آنها را به تلاش بیشتر تشویق کنند. این جامعه‌شناس در ارزیابی تأثیر تنش‌های کوتاه‌مدت و دو قطبی کاذب بر اعتماد عمومی، انسجام ملی و افول سرمایه اجتماعی دولت و حاکمیت خاطرنشان کرد: ویژگی مهم نیروی تندرو، مخالفت با وحدت در حاکمیت و جامعه و توسعه کشور است کما اینکه دیدید در جریان جنگ چهل روزه چگونه وحدت کم نظیری که در جامعه درست شده بود، تخریب کردند. وی از امیدواری کرد که ایران با یاری حاکمیت و جامعه، عزتمندانه از این پیچ جنگی عبور کند. آنگاه کمی بازار این تندروها گسادم می‌شود. اما اگر جنگ فرسایشی ادامه یابد، تندروی‌ها هم فعال شده و بیشتر باعث فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

داستان پیچیده‌تر از تصور خواهد شد.

◀ **واکنش ترکیه**

انکار از حکومت جدید سوریه حمایت می‌کند و در بازسازی ارتش و نهادهای امنیتی سوریه نقش مهمی گرفته است. زمانی که رژیم صهیونیستی به پایگاه ابوالظهور حمله کرد، مدعی شد سوریه اجازه استقرار نیروهای انکارا در این پایگاه را داده است. ادعایی که ترکیه و دمشق رد کردند. بعد از آن بود که انکارا اسرائیل را متهم کرد که با چنین ادعاهایی در بی‌توجه حشلات خود و تضعیف حاکمیت سوریه است. کاملاً روشن است که یک تضاد بین ترکیه و اسرائیل شکل گرفته‌است. اسرائیل می‌خواهد جنوب سوریه را از نظر نظامی محدود کند و ترکیه تلاش می‌کند دولت جدید سوریه بدون تأملی خود را سیاسی حاکمیتی خود را بازسازی کند. از نگاه اسرائیل، این بازسازی ممکن است در آینده تهدید ایجاد کند و از نگاه ترکیه، جلوگیری از بازسازی توان دولت سوریه به معنای تداوم بی‌ثباتی و فراهم شدن زمینه برای نفوذ بیشتر اسرائیل است. به همین دلیل امنیتی جدید یا میانجیگری آمریکا خواهد بود. به اعتراض دیپلماتیک اکتفا کنند. البته رویارویی مستقیم نظامی با اسرائیل نیز برای انکارا بسیار پرهزینه‌است. مسیر محتمل‌تر، تقویت ارتش سوریه، افزایش حضور مستشاری و دفاعی، استفاده از فشار دیپلماتیک و تلاش برای ایجاد ترتیبات امنیتی جدید یا میانجیگری آمریکا خواهد بود. اسرائیل، ترکیه و سوریه تلاش می‌کند. بنابراین جنوب سوریه ممکن است به صحنه برخورد دو منطق امنیتی تبدیل شود. اما اگر اسرائیل برای جلوگیری از تهدیدی که هنوز شکل نگرفته، امروز در خاک سوریه عادی شود، اگر کشورهای دیگر نسبت به آنچه که در جنوب سوریه اتفاق می‌افتد بی‌تفاوت باشند، چه تضمینی وجود دارد که همین اتفاق به شکل‌های دیگر تکرار نشود؟ و این پرسش مهم‌تر از بحث بر سر موقت یا دائمی بودن حضور اسرائیل در سوریه است. زیرا تاریخ منطقه نشان داده که بسیاری از مناطق امنیتی موقت، هنگامی که پایگاه، جاده، سنگر و نیروی نظامی پیدای می‌کنند، خروج از آنها دیگر به سادگی ورود به آنها نیست و بلندی‌های جولان یکی از بهترین نمونه‌های این تجاوز آشکار است.